

گزارش سالیانه وضعیت سندیکای کارگران شرکت واحد در سال ۱۳۹۱

چهارشنبه ۰۴ بهمن ۱۳۹۱

خبرگزاری هرانا - با توجه به آنکه سالیان زیادی از بازگشایی مجدد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نمی‌گذرد اما به دلیل تاثیر گذاری فراوان آن بر مسائل جنبش کارگری ایران و جلب نظر سیاسیون و علاقمندان به مسائل سیاسی و اجتماعی در سپهر فعالیت‌های مردمی شاید به دلیل آنکه اولین نمونه‌ای بود که با از خودگذشتگی بسیاری از کارگران موفق به برگزاری مجمع عمومی خود شد و با ایستادگی رهبران در زیر بازجویی و زندان‌ها با روحیه مقاومت و پا فشاری بر اهداف کاملاً قانونی و انسانی خویش باعث شد که سنت مقاومت در برابر استبداد و پایمردی بر حقوق قانونی بار دیگر در جامعه



سرکوب شده ایران رخ بنمایاند.

از سوی دیگر سرکوب سراسری که حکومت جمهوری اسلامی بر علیه این سندیکای کارگری در پیش گرفت اوج ترس حاکمان را از ایجاد تشکیلات بخصوص تشکل‌های کارگری و سازماندهی محرومین اجتماع نشان داد. در نتیجه روند فعالیت‌های آموزشی، تشکیلاتی و دموکراتیک این نهاد مستقل و آزاد کاملاً غیر عادی و خارج از روند درخواست شده در اساسنامه به تصویب رسیده آن در مجمع عمومی در تاریخ ۱۳ / ۳ / ۱۳۸۴ قرار گرفت و سرکوب مداوم و اخراج‌ها و احضارهای متناوب که تا همین امروز نسبت به فعالین سندیکا ادامه یافته است.

گزارش پیش رو به عنوان یکی از ابزارهای بیان سالیانه که در شرایط کاملاً غیر عادی اما برای اطلاع عموم کارگران شرکت واحد و هم چنین عموم مردم ایران و علاقمندان به فعالیت‌های این سندیکا که‌گاه خودشان کمک‌هایی به ادامه تلاش‌های این سندیکا داشته‌اند به همت منصور اساتلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد که در اختیار خبرگزاری هرانا قرار گرفته است؛ ارائه می‌گردد.

گزارش سالیانه وضعیت سندیکای کارگران شرکت واحد در سال ۱۳۹۱ و نحوه ادامه سرکوب های این سندیکا توسط حکومت جمهوری اسلامی

چند سال پیش فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF)، کتابی را در ارتباط با حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر منتشر کرد که در بررسی این حقوق از موضع دستیابی کارگران به حقوق خویش، حقوق کارگران را هم عرض حقوق بشر دانست. نام کتاب، حقوق کارگران، همان حقوق بشر است، که در سایت فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) موجود می باشد، پیرو این مقدمه در رابطه با پایمال شدن گسترده حقوق بشر در ایران و به ویژه حقوق کارگران ایرانی، با آغاز فعالیت های سندیکایی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در ایران از سال ۱۳۸۳ به بعد هزینه های گسترده ای به این سندیکا و اعضا، رهبران و فعالان آن تحمیل گردید، از جمله اخراج های دسته جمعی و زندانی شدن های دسته جمعی کارگران، حمله به دفتر و تشکیلات سندیکا، سرقت



لوازم و قبوض و اموال و پول های سندیکا توسط عوامل شوراهاى اسلامى کارفرمایی شرکت واحد و خانه کارگری های غاصب ساختمان سندیکای کارگران ایران در خیابان ابوریحان و ضرب و شتم رئیس و نایب رئیس و دیگر اعضای هیئت مدیره و اعضای هیئت موسس آن روز سندیکا، در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۹ و تحمیل و فشار و تهدید و ایجاد رعب و وحشت بین کارگران برای جلوگیری از آنها در جهت پیوستن به سندیکای کارگری مستقل و آزاد و دموکراتیک خویش که کماکان ادامه دارد و بر خلاف قولهایی که مسئولان دولتی و اولیای وزارت کار به

نهادهای بین المللی کار از جمله ILO ، سازمان جهانی کار و فدراسیونهای سراسری جهانی کارگری و کمیته دفاع از حقوق فعالیت های اتحادیه ای در ژنو دادند، هنوز فشار و تهدید و ارباب و اخراج بر علیه کارگران سندیکایی در شرکت واحد و دیگر نهادهای کارگری از جمله هیئت موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، اتحادیه کارگران پروژه ای و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کانون مدافع حقوق کارگر و هیئت های موسس اتحادیه ها و سندیکاهای دیگر کارگری ادامه دارد، به عنوان نمونه مهم و قابل ملاحظه، اخراج ۵ تن از کارگران عضو سندیکای کارگران شرکت واحد و ادامه اخراج سه نفر از اعضای هیات مدیره سندیکا که کاملاً بی رویه، غیرقانونی و بر خلاف مقررات موجود حقوقی خود جمهوری اسلامی بوده است که اسامی آنها و شرح تجاوز به حقوق آنها در پی می آید:

زندانی کردن شاهرخ زمانی و محمد جراحی از سندیکای کارگران نقاش، مهدی شانديز از هیئت موسس سندیکای معلمان حق التدریسی، اجرایی کردن وثیقه ی علیرضا ثقفی، عضو هیئت مدیره و هیئت موسس کانون مدافع حقوق کارگر، ادامه زندانی بودن افشین اسانلو از هیئت موسس سندیکای رانندگان برون شهری (میان شهری)، ادامه زندانی بودن رسول بداعی از کانون صنفی معلمان ایران، و احضارهای پیاپی کارگران فعال سندیکایی و تشکیلاتی دیگر.

در ادامه گزارش مشروح مربوط به سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد می آید:

۱- **حسن سعیدی** عضو فعال سندیکا و یکی از سازمان دهندگان تجمع رانندگان در جلوی شهرداری تهران حدود ۲ ماه قبل برای درخواست حداقل ۱۰٪ افزایش حقوق کارگران شرکت واحد مطابق با افزایش حقوق دیگر پرسنل کارمندی و کارگری شهرداری تهران به دلیل آنکه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یکی از زیر مجموعه های مهم معاونت حمل و نقل ترافیک شهرداری تهران می باشد و کلیه افزایش دستمزد و مزایای دیگر که شامل حال کارکنان شهرداری می شود، شامل حال کارگران شرکت واحد نیز می باشد. حسن سعیدی یکی از داوطلبین عضویت در هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد می باشد که در خرداد ماه سال ۱۳۸۶ زمانی که دفتر سندیکا در خیابان ابوریحان با کمک یکی از وکلای انسانیست و هوادار طبقه کارگر با ارائه دفترش به عنوان دفتر سندیکا بدون هیچ چشم داشتی مجدداً گشوده شد، شرح داوطلب شدن خود را همراه عکس و سوابق کار و فعالیت های سندیکایی اش در سایت رسمی سندیکا ثبت نمود و هم اکنون با اتهامات دروغین و روش های کاملاً غیر قانونی و مافیایی با همکاری مدیریت شرکت واحد و بخصوص شخصی بنام عظیمی که بعنوان مشاور مدیر عامل شرکت واحد (آقای پیمان سنندجی) و مدیریت اداره ی کل کار استان تهران اخراج شده است.



از دیگر تلاشهای حسن سعیدی حضور در ادارات کار استان تهران، بعنوان نماینده و وکیل کارگران میباشد که کارگران با حضور در دفاتر رسمی ثبت اسناد رسمی طبق قانون کار و با صرف هزینه، نمایندگی خود را از جهت حقوق کار به ایشان می سپارند و ایشان با آگاهی حقوقی از شرایط و قوانین و شناسایی مقررات و آئین نامه ها، بهترین دفاعها را از کارگران به عمل آورده است که ده ها تن از کارگران که ایشان وکیل آنها بوده اند، حکم بازگشت به کار دریافت کرده اند و مزایای دوران بیکاری و اخراج خود را از کارفرما گرفته اند. از جمله تلاشهای ایشان حضور در جلسات سندیکایی در منازل همکاران و تشریک مساعی پیرامون حضور در ادارات کار و شهرداری و وزارت کشور و دیگر نهادهای مربوطه است که پیگیرانه به این امور علیرغم آنکه بصورت کاملاً غیر قانونی و با اتهامات واهی اخراج شده است، کماکان ادامه می دهد. ایشان به اشکال مختلف مورد تهدید و ارباب از سوی کارفرما و حراست و نهادهای امنیتی قرار گرفته است. (اسناد ۲۱ - ۳۵)

۲- **وحید فریدونی**، دیگر عضو فعال سندیکای کارگران شرکت واحد که او نیز همانند حسن سعیدی و با همان اتهامات واهی و پرونده سازی و همکاری مدیریت شرکت واحد و مدیریت اداره ی کل کار استان تهران (وزارت کار) فقط به صرف فعالیتهای سندیکایی اخراج شده است.

عظیمی مشاور مدیر عامل (پیمان سنندجی)، بارها گفته است: ما به همه ی ادارات کار پول می دهیم و حکم اخراج شما را میگیریم، همین چند نفر را که از شرکت واحد اخراج کنیم، شر سندیکا کنده شده است و کارگران بر سر جای خود می نشینند و دیگر درخواست اضافه حقوق و لباس سالیانه و کمد و رختکن و دوش و شیر و کیک و عیدی و پاداش و لغو قراردادهای کار موقت و رسمی کردن همه ی کارگران را نمی دهند، دقیقا چون وحید فریدونی با مطالعه قوانین موجود و رعایت مقررات و آئین نامه های کاملا بر خلاف قانون اساسی و کنوانسیون های کار جهانی موفق شده است چندین مورد حقوقی و حقیقی و مالی را به اثبات برساند، از جمله کشف عدم واریز کسر پس انداز کارگران شرکت واحد به صندوق پس انداز کارکنان شهرداری در بانک شهر به میزان ۳ % حقوق کارگران بعلاوه ۳ درصدی که کارفرما یا شهرداری باید بر روی آن باید بگذارد و به حساب صندوق پس انداز کارکنان واریز کند که وحید فریدونی با پیگیری های خود متوجه شده که از سال ۱۳۸۹ تا کنون مبلغی به این صندوق از سوی مدیریت شرکت واحد (پیمان سنندجی) و مشاورانش مثل (عبد الله مالکی و عظیمی که خود باز نشسته ی نیروهای انتظامی و از دشمنان کارگران و ضد حقوق بشر و کارگران است) واریز نشده است و بر اثر پیگیری های وحید فریدونی بالاخره مبلغی کلی را با احتساب واریز ۳ % کارفرما، شهرداری تهران به صندوق پس انداز کارکنان شهرداری، واریز کردند، آن هم تا تاریخ ((۲۹/۱۲/۱۳۹۰))! و عملا کسورات حقوق کارگران و دریافتی ۳ % حقوق آنها از شهرداری تا امروز ۲۷/۱۰/۱۳۹۱ به صندوق واریز نشده است، که کلیه مدارک مربوط و فتوکپی فیشهای مربوطه و اسکن نامه های مربوطه بعنوان سند این گزارشات در انتها ارائه خواهد شد، که با یک محاسبه ی سر انگشتی میانگین حقوق کارگران ضربدر ۳ درصد و سپس ضربدر ۲ یعنی احتساب واریز معادل کارفرما از سوی شرکت واحد یا کارفرما (شهرداری) ضربدر ۱۳ هزار نفر، رقمی نزدیک به:

×۶۰۰۰۰۰

۳%

۱۸۰۰۰ تومان ۳% ماهیانه کارگر

۲×

= ۳۶۰۰۰۰ (کسر سه درصد کارگر بعلاوه ۳ درصد ماهیانه کارفرما)

۱۰ ×

= ۳۶۰۰۰۰ تومان

سهام ۱۰ ماهه کسورات یک نفر از فروردین تا انتهای دیماه ۱۳۹۱

----- بعلاوه ۳% ماهیانه کارفرما

۳۶۰۰۰۰ تومان یک نفر

×۱۳۰۰۰

از فروردین تا انتهای دی ماه ۱۳۹۱ در طول ۱۰ ماه سهم سالیانه یک نفر



۱۳ هزار نفر تعداد پرسنل رسمی شرکت واحد در حال حاضر یعنی رقم چهارمیلیارد و ششصد و هشتاد میلیون تومان از حقوق پرسنل بعنوان ۳٪ بعلاوه ۳٪ سهم کارفرما که از بودجه ی شرکت واحد در شهرداری کسر شده است، در اختیار مدیران شرکت واحد است که به حساب صندوق پس انداز شهرداری در بانک شهر واریز نشده است، آنگاه برای اینکه وحید فریدونی با پیگیری های حقوقی خود چنین مطالبی را که به سود همه است کشف کرده با

همکاری شوراهای اسلامی کار شرکت واحد و ادارات کار استان تهران بخصوص هیات های تشخیص ادارات کار که با عظیمی مشاور مدیرعامل شرکت واحد هماهنگ هستند و بده بستان دارند، باید اخراج شود. پرونده ی خدمتی او یکی از درخشان ترین پرونده های شغلی کارگران شرکت واحد است. (اسناد ۱ - ۲۰)

۳- ناصر محرم زاده راننده منطقه چهار نازی آباد که از فعالین شجاع سندیکای کارگران شرکت واحد است و از اولین کارگرانی که از مردم و مسافران بلیط نمیگرفت چون از وظایف شغلی اش نبود، با توجه به نامه ای که سندیکا موفق شد از راهنمایی و رانندگی تهران بگیرد، راننده بجز رانندگی هیچ وظیفه ی دیگری مثل: پول گرفتن، بلیط گرفتن، جدا کردن زن و مرد و یا دختر و پسر و امثالهم ندارد، به همین دلیل ناصر محرم زاده کارگر سندیکایی و از داوطلبین عضویت در هیئت مدیره ی مجمع عمومی دوم سندیکای کارگران شرکت واحد که رزومه ی خود را برای این داوطلبی با عکس خودش در سایت رسمی سندیکای کارگران شرکت واحد قرار داد، از گرفتن بلیط و پول، استنکاف ورزیده است و بارها بدلیل همین عمل کاملاً قانونی از محل کارش تبعید و اخراج شده است که با تلاشهای نمایندگان و وکلای سندیکای کارگران شرکت واحد در هیئت های تشخیص و رسیدگی به تخلفات کارگران بر سر کار خویش بازگشت و مثل سایر سندیکایی های اخراجی موفق شد دستمزد و حقوق و کلیه ی مزایای ایام بیکاری اش را دریافت کند و آخرین بار، بدلیل اعتراض به اینکه فقط یکدست لباس فرم به رانندگان می دهند که آن هم در هوای چرب و دود آلود و بیماری زای تهران، هر روز کثیف و سیاه و چرب میشود و یقه اش مثل تخته از زور دود و چربی، سفت و چرمی میشود و خود به خود برای شستن چنین لباس کار کثیفی هر روز رانندگان باید کلی پول بابت مواد شوینده با توجه به گرانی روز افزون و هزینه ی آب بها و گرم کردن آب با این افزایش قیمت های آب و برق و گاز و از سوی دیگر باید لباس خشک شده و اتو شود تا مرتب و تمیز باشد. پس اتو کلاو و اتو شویی می خواهد و سپس یک رختکن برای تعویض لباس فرم یا کار با لباس شخصی کارگران و رانندگان نیاز است که وجود ندارد و همچنین لباس رزرو که در صورتیکه لباس اول خشک یا آماده نشد بتوان از آن استفاده کرد که اغلب این امکانات وجود ندارد و لباس رزروی را هم که در بعضی از مناطق و سامانه ها داده شده است بر پایه ی اعتراض و درخواست های دیگر کارگران سندیکایی مثل داوود رضوی، همایون جابری و سندیکالیست های آموزش دیده دیگر به کارگران داده شد.

در آخرین باری که ناصر محرم زاده را اخراج کردند بهانه کارفرما این بوده است که از دستور مافوق سرپیچی کرده و اتوبوس را در میان خیابان متوقف کرده است، که البته اتهامی کاملاً بی اساس و ظالمانه می باشد چرا که اتوبوسی را که به کارگر سندیکایی ناصر محرم زاده داده بودند خراب بوده و دو روز قبل هم به علت ایراد فنی توسط دو راننده ی دیگر متوقف شده و همان روز هم بکسل، خرابی اتوبوس را تایید و برگه اعزام به تعمیرگاه داده و تعمیرگاه هم ایراد و نقص فنی اتوبوس را تایید کرده است و فردای آن روز هم که اتوبوس به علت نقص فنی متوقف شده است تایید کرده و خوشبختانه از تعرفه هایی که تعمیرگاه و بکسل، خرابی اتوبوس را تایید کرده اند، عکس و اسکن و کپی وجود دارد اما هیات تشخیص اداره کار در هماهنگی با عظیمی و اداره حقوقی شرکت واحد که آنها را تطمیع میکند با وجود این مدارک مستدل، رای اخراج کمیته انضباط کار شرکت واحد را تایید میکنند، جالب آن که اعضای شورای

اسلامی کار که طبق اساس نامه شورا باید از حق کارگر دفاع کنند، خودشان آتش بیار معرکه شدند و پیشاپیش با نوشتن نامه ای اتهامات واهی؛ درخواست اغتشاش و بستن راه و اعلام اعتراض و دورغ های دیگر را به ناصر محرم زاده راننده ی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد نسبت داده اند و در خواست اخراج او را از مدیریت کرده اند که بر خلاف تمام اصول حتی صوری مقررات ضد کارگری موجود است و به چنین بهانه های ضد حقوق بشری و ضد کارگری و ضد انسانی که محروم کردن یک انسان بیگناه از اشتغال و کسب درآمد است، ناصر محرم زاده را اخراج کرده اند که پرونده اش تا دیوان عدالت اداری هم رفته و عظیمی، مشاور مدیر عامل، بارها گفته است ما از طریق دوستانمان دیوان عدالت اداری را هم خریده ایم و دیگر نمی گذاریم کارگران سندیکایی رای بازگشت به کار از دیوان عدالت اداری بگیرند. باید دید آینده برای این کارگر عضو سندیکا چه رقم زده است.

۴- آقای علی نوریانی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد که به دلیل جمع آوری امضا برای ۱۰٪ افزایش حقوق کارگران و پی گیری در ادارات کار و حضور جمعی در جلوی شهرداری تهران و دیگر فعالیت های سندیکایی اخراج شده است.

او از فعالین دوره ی جدید فعالیت های سندیکا از سال ۱۳۸۸ به بعد میباشد و در جلسات خانگی سندیکایی همراه دیگر کارگران شرکت داشته است و بعد از حضور در جلوی شهرداری تهران بارها مورد مواخذه و احضار به حراست سامانه شد و نهایتا با بهانه ای واهی مثل بقیه سندیکایی ها طی دو ماه گذشته اخراج شده است .



۵- خانم فرحناز شیرینی اولین زنی که سعی در تشکیل آژانس ویژه ی خانم ها نمود، که بعد اتحادیه آژانس ها و شهرداری با توسل به امکانات خویش این امتیاز را از دست او خارج نمودند. این خانم فرزند یک کارگر عضو سندیکایی کارگران شرکت واحد تهران در زمان شاه و بعد از انقلاب میباشد، بعد از آنکه در آژانس کار کرد و بعد تجربه آموزش رانندگی برای دیگر خانم ها را از سر گذراند، اولین زنی بود که اتوبوس درون شهری خرید و راننده ی بخش خصوصی شرکت واحد در اولین مرحله شد که اتوبوس خویش را با وام و پیش قسط اولیه خریده بود.

اما مدیران شهرداری و اتوبوسرانی تهران در یک اقدام تبلیغی از وی خواستند که اتوبوس خصوصی را رها سازد و به استخدام رسمی شرکت واحد در بیاید و در خط یک بی آر تی BRT مشغول انجام وظیفه شود و چون ایشان را به استخدام شرکت واحد اتوبوسرانی در آوردند به ناچار اتوبوس وی را بنام همسرش نمودند چرا که بنا به قوانین فرموده ی آقایان، نمی شد فردی که شغل رسمی دارد، اتوبوس خصوصی هم داشته باشد به ناچار و یا شاید از روی اقبال، خانم فرحناز شیرینی به عنوان اولین زن راننده اتوبوس بی آر تی BRT مسافربری داخل شهری تهران و ایران در طول تاریخ مشغول به کار شد، بنا به گفته خودش در دومین روز استخدام رسمی اش بعد از ظهر وقتی حسن سعیدی و اکبر نظری به او گفتند که آقای منصور اسانلو رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد را برای جراحی چشمش به هنگام آخرین دستگیری در ۱۹ تیرماه ۱۳۸۶ مورد اصابت مشت و لگد ماموران لباس شخصی و امنیتی قرار گرفته بود و بعد از چهار ماه حضور در سلول های انفرادی بند ۲۰۹ به ناچار و از روی اجبار وقتی که متوجه شدند چشم چپش واقعا نابینا شده و پزشک متخصص زندان و متخصص مرکز چشم پزشکی در نزدیکی بیمارستان هزار تختخوابی اعلام کردند که بر اثر ضربات وارده پرده شبکیه چشمش پاره شده و در معرض کور شدن قرار گرفته است در آبان ماه ۱۳۸۶ او را برای جراحی چشم به بیمارستان لبافی نژاد بردند و مورد جراحی فوق تخصصی شبکیه چشم قرار گرفت و بعد در بخش مراقبت های ویژه چشم بستری شده است، به همراه آقای اکبر نظری و دیگر کارگران عضو سندیکا به ملاقات رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد رفتند و در همان جا با ارائه یک دست گل زیبا و ضمن احوال پرسی و آرزوی سلامتی همکارش، درخواست شفاهی خود را برای عضویت در سندیکا اعلام نموده که پذیرفته شد و از همان روز سندیکاهایی که موضوع ملاقات را میدانستند ایشان را عضو سندیکا و همراه خود به شمار آوردند . فردای

همان روز که به ملاقات منصور اسانلو رفته بود او را حراست خواست و از او پرسیدند که چرا به ملاقات رئیس هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد رفته است که ایشان فرمودند ، بعد از ساعت کار هر کجا که بخواهم میروم، و به کسی ربطی ندارد، در ضمن ایشان به خاطر ما و همکاران این همه بلا دیده و زندان رفته و کتک خورده و چشمش را از دست داده، چه عیبی دارد به ملاقات یک همکار بروم و جوابهای قوی او حراست را ساکت کرد و بعد از آن هر کجا که خانم فرحناز شیرینی مشکل و کمبود یا ظلم و ستمی و بی قانونی می دید ساکت نمی شد و اعتراض قانونمند خود را اعلام میکرد و راهکار هم ارایه می داد: به گفته خود ایشان بارها در سوله تعمیرگاه یا پنچری یا از دهان برخی از رؤسا شنیده بود که گفته بودند او شده است اصائلوی دوم ، مثل منصور دائم اعتراض می کند و دیگران را تشویق به حرف زدن می نماید و بر اثر همین رفتار درست و شجاعانه برای خانم فرحناز شیرینی اقدام به پرونده سازی کردند و بعد از آنکه قرار داد یکساله خدمتش تمام شد ، سعی کردند به بهانه اتمام قرار داد او را اخراج کنند که با هوشیاری او و همکاری دیگر سندیکایی ها مثل حسن سعیدی و اکبر نظری موفق به اخراج او نشدند ، اما کارفرما با کمی نیرنگ بازی و ایجاد رعب و وحشت و دادن مبالغی ناچیز و با سوء استفاده از نا آگاهی پنج نفر دیگر از خانم های راننده و سپس به تدریج بقیه رانندگان زن حدوداً ۳۰ نفر دیگر که جهت حمل و نقل درون شهری در شرکت واحد استخدام کرده بودند ، اخراج و فسخ قرار داد و باز خرید نمودند (آقای قالیباف به عنوان شهردار تهران با تبلیغ از اینکه راننده زن در شرکت واحد داریم، موفق شد از یکی از نهادهای بیت المللی کارفرمایی، جایزه و سند افتخار برابری حقوق زن و مرد را بگیرد که بعد از دریافت این جایزه ترتیب اخراج زنان راننده از شرکت واحد را دادند) اما فرحناز شیرینی ایستاد و به اداره کار شکایت کرد و با استفاده از دانش سندیکایی و همکاری دیگر یاران عضو سندیکا موفق به ادامه خدمت در شرکت واحد شد و توانست مبالغی را بابت دوران بی کاری و اخراج غیر قانونی خود بگیرد ، اما مدیریت شرکت واحد زیر بار نمی رفت و با سوء استفاده از گفتگوی خانم فرحناز شیرینی در ساختمان شورای شهر با برخی از اعضای این شورا داشت که به گوش خبر نگارانی هم که انجا بودند رسید و حقایق ستمهایی که از سوی کار فرما در حق کارگران شرکت واحد و به خصوص ایشان شده بود را روزنامه ها به گوش و چشم همگان رساندند و به بهانه همین موضوع کار فرما ی شرکت واحد بخصوص عظیمی باز نشسته نیروهای انتظامی، شکایتی علیه خانم شیرینی در دادگاه تحت عنوان تشویش اذهان عمومی و بیان تبلیغ علیه نظام و تهمت و افترا نمودند که بعد از چند ماه با حضور خانم شیرینی و وکیل مدافع و دفاعیات مستدل ایشان در دادگاه رای برائت گرفتند و سیاهی به ذغال ماند. بعد از آنکه خانم شیرینی در ادارات کار به دنبال حکم بازگشت به کار خویش بود بالاخره رئیس اداره کار استان تهران پس از بررسی پرونده ایشان پذیرفت که رای به اخراج ایشان که از سوی هیئت تشخیص اداره کار صادر شده بود، غیر قانونی است و حکم اخراج ایشان فاقد دلایل قانونی بوده است و باید به هر نوعی این حکم را تغییر داد تا ایشان به سر کار خویش بازگردند. از سوی دیگر کارفرما سعی می کرد که ایشان را با پرداخت بیست میلیون تومان راضی به بازخریدی نمایند که با مخالفت ایشان روبرو شد و سپس با طرح شکایت در دیوان عدالت اداری برای بازگشت به کار خویش رهیافت قانونی را ادامه دادند و هنوز برای اثبات بی گناهی خود و حق اشتغال و حق شرکت در سندیکای کارگران شرکت واحد که هر دو از حقوق پایه ای و قانونی تاییده شده در اصول منشور جهانی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی ج-۱ نیز می باشد طبق اصول ۲۸ و ۲۹ و ۲۶ قانون اساسی به تلاش خویش ادامه می دهند و از یاری دیگر اعضای سندیکا بهره مند هستند.

یکی برای همه، همه برای یکی از ساده ترین و گویاترین شعارهای سندیکا بود که در تابلوی ساده ای روی در ورودی سالن اجتماعات سندیکا در میدان حسن اباد کوچه خیام نقش بسته بود، اینگونه در شرایط عملی تبلور می یابد.

علاوه بر این اخراجی های سندیکایی، حقوق و دستمزد دوران بازداشت و زندان و بیکاری بعد از زندان این گروه از اعضای سندیکا نیز توسط کارفرما پرداخت نشده است و بر خلاف قولی که آقای شاهمیر مسئول میز دائمی وزارت کار ج-۱ در ژنو در کنفرانس سالیانه سازمان جهانی کار ILO (که همه ساله در اواخر اردیبهشت تا اواسط خرداد ماه برگزار می شود) به دیوید کاکرافت دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران ترانسپورت، در ایمیلی که برای ایشان فرستاده بود که در متن آن تعهد به آزادی منصور اسانلو رئیس هیئات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و دیگر فعالین سندیکاهای کارگری و پرداخت دستمزد و حقوق وکل مزایای دوران دستگیری و زندان و

حل مشکلات فی مابین آنها و کارفرمایانشان و بازگشت به کار آنها، داده بود، متأسفانه هیچکدام از این تعهدات انجام نشده است و کماکان آقایان ۱- ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد ۲- علی اکبر پیرهادی عضو هیات مدیره سندیکا ۳- حسن کریمی عضو هیات مدیره سندیکا ۴- رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکا ۵- منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکا، از حقوق و دستمزد و مزایای دوران اخراج - بازداشت - زندان - دوران پس از زندان محروم هستند و هیچ یک از مطالبات و طلبهای ایشان پرداخت نشده است. از این بین آقایان علی اکبر پیرهادی و حسن کریمی با رای دیوان عدالت اداری (هیات عمومی دیوان) بر سر کار بازگردانده شده اند، اما عقب افتادگی های این چند سال آنها پرداخت نشده است، اما آقایان مددی، شهابی و اسانلو حتی بر سر کار خویش نیز باز گردانده نشده اند و در این بین آقای رضا شهابی هنوز زندانی هستند و آقای منصور اسانلو از سوی بیدادگاه های انقلاب اسلامی کرج و تهران تحت تعقیب می باشند و از کفیل های ایشان در کرج و تهران خواسته اند که او را به زندان معرفی نمایند.

که همه این موارد بر خلاف قول و قرارهای است که وزیر کار جمهوری اسلامی آقای شیخ الاسلامی در ژنو در خرداد ماه ۱۳۹۰ به رهبران سازمان جهانی کار برای آزادی منصور اسانلو و دیگر فعالین کارگری در کنفرانس سالیانه سازمان جهانی کار، به کمیته دفاع از آزادیهای فعالیتهای سندیکایی و اتحادیه ای داده بود و باز این خلف وعده ای است که بر خلاف قول و قرارهایی که وزیر کار از طریق مشاور حقوقی اش که همکنون معاونت حقوقی اش به نام آقای دکتر حبیب زاده شده است داده بود که منصور اسانلو طی در خواست نامه ای که در هشت بند آن آزادی ابراهیم مددی، شهابی و دیگر کارگران سندیکایی شرکت واحد و دیگر کارگران سندیکایی و اتحادیه ای و آزادی فعالیت های سندیکایی مطابق کنوانسیون های بین المللی و قانون اساسی، پرداخت دستمزد و حقوق و مزایای دوران بازداشت و اخراج و زندان و به رسمیت شناختن فعالیت های سندیکایی کارگران شرکت واحد و دیگر مرکز و مواردی دیگر را خواسته بود که دکتر یوسف مولائی یکی از وکیل های سندیکا و منصور اسانلو زیر این در خواست نامه را امضا و با تایید و تاکید بر این خواسته ها خواهان اجرائی شدن این در خواست ها شده بودند که یک برگ از فتو کپی این نامه به عنوان سند نزد آقای حسن سعیدی عضو محترم و فعال سندیکا برای امانت و ارسا و ثبت در تاریخ تحویل داده شد.

علاوه بر این موارد نقض حقوق کارگران که همانا حقوق بشر است کماکان در ج ۱- و در شرکت واحد اتوبوسرانی بر علیه فعالین کارگری و سندیکایی ادامه دارد و ج ۱- با انواع ترندها و روشها سعی بر جلوگیری از گسترش و ژرفش جنبش کارگری و سندیکایی دارد و از تشکل و سازمان دهی وحشت دارد و با سرکوب خشن و گسترده و با ایجاد انواع رعب و وحشت و ترس و تهدید و تطمیع کارگران به خصوص کارگران نا آگاه سعی در پراکنده کردن آنها دارد.

از جمله عده ای را وسوسه کردند تا باز خرید شوند و با پول باز خریدی خود مشتری اتوبوس های خصوصی آقایان شوند و مفت و بدون بیمه و باز نشستگی و سوابق کار تا آخر عمر برای آقایان مدیران شرکت واحد که حالا صاحبان شرکتهای حمل و نقل درون شهری شده اند کار بی جیره و مواجب انجام دهند. حتی با ایراد فشار و ایجاد ترس و تلفن زدن و تهدید به دستگیری عده ای از اعضای سندیکا را وادار به استعفا از سندیکا، باز خرید کردن، تعهد به عدم حضور در جلسات سندیکا و جلسات هیئت مدیره سندیکا، وادار شدن به ورود به بخش خصوصی بر خلاف آئین سندیکا و باز نشستگی زود هنگام، خرید اتوبوس های بخش خصوصی و به نوعی کار فرما شدن و همکاری با کار فرما و حراست و منابع نیرویی انسانی و بخش های امنیتی ج- ۱ به خصوص در اطلاعات شهری.



همچنین فشارها و کنترلها و تهدید مضاعف حکومت و ترس از بی کاری و زندانی و بی پولی، برخی دیگر از اعضای سندیکا را وادار به مهاجرت از کشور نمود.

لذا برای رشد فعالیت‌های سندیکایی باید مبارزه برای رشد آزادیها و دموکراسی هماهنگ با اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر در دستور کار قرار گیرد. در ادامه توضیح فشارها و آزارهای غیرقانونی بر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، بررسی چگونگی نشست جلسات هیات مدیره سندیکا در این روزها می‌تواند زاویه و نوع فشار و میزان ایستادگی افراد در برابر این فشارها را به خوبی نمایان کند که باز هم برخلاف آئین نامه‌ها و مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی خود ج-ا می‌باشد. حدود ۲ ماه و نیم پیش یعنی اواسط آبان ماه ۱۳۹۱ در ملاقاتی که رئیس هیئت مدیره و نایب رئیس و چند تن از فعالین سندیکا در منزل نایب رئیس داشتند، بنا به پیشنهاد چند نفر از فعالین سندیکا که در جلسات خانگی ماههای قبل هم حضور داشتند، از جهت پیگیری و سامان دادن به پراکندگی وضعیت سندیکا و متشکل و متمرکز کردن فعالیت‌های سندیکایی، تصمیم گرفتند که آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا بر طبق مفاد یکی از مواد اساسنامه سندیکا که دعوت از اعضای سندیکا برای تشکیل جلسات سندیکا را به عهده رئیس هیئت مدیره نهاده است، از تک تک افرادی که با رأی مجمع عمومی سندیکا به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در سندیکا در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۸۴ به عضویت هیئت مدیره سندیکا انتخاب شده بودند، جدای از شرایط و اتفاقات بعدی که برای آنها افتاده است، دعوت به حضور در جلسه رسمی هیئت مدیره سندیکا به عمل آورد. این درخواست حضوری و چهره به چهره باشد و از افرادی که دعوت می‌شوند امضاء بگیرند که برخی از آنها بعد از دعوت شدن از امضای دعوت نامه استنکاف نمودند. این گرفتن امضا برای آن بود که در آینده این افراد نتوانند بگویند که بی‌خبر بوده‌اند. لذا در پیامد این تصمیم‌گیری، آقای منصور اسانلو، رئیس هیئت مدیره سندیکا در روزهای آتی در نقاط مختلف تهران حضور پیدا کرد تا بتواند رو در رو و بدون استفاده از تلفن (بدلیل شرایط ویژه امنیتی و تعقیب و مراقبت‌های عوامل اطلاعات) اعضای هیئت مدیره را دعوت به حضور در جلسه کرد. که در یک روز از آن روزهایی که برای دعوت از آقایان می‌رفت، آقایان عباس نژند کودکی و داوود رضوی با ایشان همراهی داشتند و بالاخره پس از دعوت از همه آقایان برای اولین نشست اعضای هیئت مدیره سندیکا بعد از آزادی اسانلو و مددی از زندان، در تاریخ ۱۷/۹/۹۱ جلسه سندیکا در منزل یکی از اعضای بازنشسته سندیکا در منطقه تهران پارس تشکیل شد؛ بعضی از اعضای دعوت شده در این جلسه شرکت نکردند.

در این جلسه بعد از گفتگوهای جمعی، قرار شد که برای بار دوم هم، از اعضای هیئت مدیره دعوت بعمل آید تا در جلسه بعدی، خط مشی‌های اجرایی هیئت مدیره سندیکا را طراحی کنند. در طی این فرصت دعوتنامه برای اول دیماه ۱۳۹۱ تنظیم و توسط رئیس هیئت مدیره سندیکا، منصور اسانلو، دعوت بعمل آمد. چند روز بعد، قبل از اول دیماه، در بیمارستان سینای تهران، که گروهی از اعضای سندیکا به اتفاق رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره برای ملاقات با عبدالفتاح سلطانی وکیل مدافع حقوق بشر و حقوق کارگران (که دهها بار در دادگاهها و هیئت‌های تشخیص و تخلفات ادارات کار استان تهران همچون دیگر وکلای محترم سندیکا در جهت دفاع از حقوق کارگران اخراجی سندیکا حضور یافته بود) رفته بودند از سوی نایب رئیس هیئت مدیره به رئیس هیئت مدیره گزارش داده شد که از ادارات اطلاعات و امنیت به منازل و موبایل‌های برخی از افراد سندیکا تلفن شده است و آنها را تهدید کرده‌اند که ما می‌دانیم شما دو هفته قبل یک جلسه هیئت مدیره در تهران پارس برگزار کرده‌اید، آنرا نادیده گرفتیم، اما اگر در جلسه دوم هیئت مدیره که ما خبر داریم در خانه مادر آقای اسانلو قرار است تشکیل شود شرکت کنید دوباره اخراج، دستگیر و به زندان برده خواهید شد. رئیس هیات مدیره پس از شنیدن این گزارش گفت: "با توجه به اینکه ما از قبل افراد را برای جلسه دعوت کرده ایم من بر سر دعوت خویش ایستاده‌ام اما اگر شما و دیگران برای شرکت در جلسه مانعی دارید و نمی‌خواهید جلسه را تشکیل بدهید مرا مطلع کنید تا بدانم که جلسه تشکیل نمی‌شود و برای آن روز کار دیگری را پیش بینی کنم." پس از آن نایب رئیس به منزل مادر اسانلو رفته و بعد از مذاکره با ایشان به این نتیجه رسیدند که جلسه را تشکیل ندهند و این همان چیزی بود که اطلاعاتی‌ها می‌خواستند و می‌خواهند که جلسات هیات مدیره سندیکا و مجمع عمومی سندیکا هرگز تشکیل نشود تا در اختلافات درونی که توسط عوامل نفوذی خود در درون سندیکا ایجاد میکند، سندیکا را از درون متلاشی کرده و رهبران آنرا به دست اعضای نفوذی و ناآگاه و دنباله‌رو و سنتی بی‌اعتبار و در نتیجه کارگران را از رهبری آماده پرداخت هزینه‌ها و با تجربه و عملگرا محروم نماید.

در پی این اخبار از سوی اطلاعات برخی از افراد اعلام کردند که به جلسه نخواهند آمد. در طی همین مدت هم، آقای سلطانهی شکاری و یکی دیگر از اعضا استعفاى خود را از هیئت مدیره سندیکا کتبا و شفاهاً اعلام کرده بودند. همچنین به دلیل حمله ای که به همسر آقای غلامی طی ماه پیش در شهر ساری که برای دیدار فرزندش رفته، شده بود و تحت فشار قرار گرفته بودند و ضمن سرقت لوازم ایشان و ضرب و شتم بی رحمانه که به این خانم محترم در داخل مینی بوسی که توسط آن ربه شده بود، ضاربان کیف او را خالی کرده و دفترچه بیمه تأمین اجتماعی او را یافته، باز کرده و اسامی خودش و همسرش را به او گفته و فریاد زده اند تو همسر همان غلامی سندیکایی هستی، این یک زنگ خطر بود تا به شوهرت بگویی پایش را از بساط سندیکا بیرون بکشد که ایشان هم طی هفته بعد خودش را باز خرید کرد و عملاً با قطع ارتباط شغلی، ارتباطش با سندیکا هم قطع شد. (اسناد ۳۶ - ۵۳)

سعی شده است در این مقاله کوتاه تا حدی از وضعیت نقض حقوق بشر و حقوق کارگران و تن دادن کارگران به توطئه های نهادهای امنیتی و پلیسی آشکار گردد. در صورت لزوم و استقبال خوانندگان موارد دقیق تر از انواع سرکوب ها و توطئه های حکومتی برای جلوگیری از رشد فعالیت های تشکیلاتی کارگران و دیگر اقشار زحمت کش و روشن فکر منتشر خواهد شد.

[سند شماره ۱](#) | [سند شماره ۲](#) | [سند شماره ۳](#) | [سند شماره ۴](#) | [سند شماره ۵](#) | [سند شماره ۶](#) | [سند شماره ۷](#) | [سند شماره ۸](#) | [سند شماره ۹](#) | [سند شماره ۱۰](#) | [سند شماره ۱۱](#) | [سند شماره ۱۲](#)
[سند شماره ۱۳](#) | [سند شماره ۱۴](#) | [سند شماره ۱۵](#) | [سند شماره ۱۶](#) | [سند شماره ۱۷](#) | [سند شماره ۱۸](#) | [سند شماره ۱۹](#) | [سند شماره ۲۰](#) | [سند شماره ۲۱](#) | [سند شماره ۲۲](#) | [سند شماره ۲۳](#) | [سند شماره ۲۴](#) | [سند شماره ۲۵](#) | [سند شماره ۲۶](#) | [سند شماره ۲۷](#) | [سند شماره ۲۸](#) | [سند شماره ۲۹](#) | [سند شماره ۳۰](#) | [سند شماره ۳۱](#) | [سند شماره ۳۲](#) | [سند شماره ۳۳](#) | [سند شماره ۳۴](#) | [سند شماره ۳۵](#) | [سند شماره ۳۶](#) | [سند شماره ۳۷](#) | [سند شماره ۳۸](#) | [سند شماره ۳۹](#) | [سند شماره ۴۰](#) | [سند شماره ۴۱](#) | [سند شماره ۴۲](#) | [سند شماره ۴۳](#) | [سند شماره ۴۴](#) | [سند شماره ۴۵](#) | [سند شماره ۴۶](#) | [سند شماره ۴۷](#) | [سند شماره ۴۸](#) | [سند شماره ۴۹](#) | [سند شماره ۵۰](#) | [سند شماره ۵۱](#) | [سند شماره ۵۲](#) | [سند شماره ۵۳](#)

تهیه و تنظیم: منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد تهران

منبع: خبرگزاری هرانا ارگان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران